



مجتبی لشکرلو کی
استاد دانشگاه

نظام جهانی، منافع متقابل را می‌فهمد. نه دوستی دیرینه، نه سابقه و گذشته، نه ایدئولوژی، نه همسایگی هیچ کدام معیار اول تصمیمات سیاست‌گذاری خارجی نیست. بنابراین کشوری که در این جهان با زبانی دیگر (فرکانسی دیگر) صحبت کند کشوری تنها (هننگ ۵۲ هرتزی) خواهد بود. هننگ‌های تنها سرنوشت غم‌انگیزی دارند. بگذارد با یک پدیده غم‌انگیز و جالب شروع کنیم. در دهه نود صدایی در اقیانوس‌ها ضبط شده بود که کمی عجیب بود. بعد از بررسی‌های متعدد به این جمع‌بندی رسیدند که این صدای یک هننگ است. ماجرا هم این است که هننگ‌های آبی صدایشان بین ۱۰ تا ۳۹ هرتز است، اما صدای این هننگ ۵۲ هرتز است و به همین خاطر توسط دیگر هننگ‌ها شنیده نمی‌شود. این هننگ به خاطر آنکه نمی‌تواند در محدوده فرکانسی دیگر هننگ‌ها صحبت کند به تنهایی برای جفتی که هرگز نخواهد یافت آواز خواهد خواند و به تنهایی و به دور از جمع و در مسیری متفاوت با حرکت سایر هننگ‌ها حرکت خواهد کرد. صدای این هننگ دستمایه ساخت موزیک‌های مختلفی هم شده است. صدای او پس زمینه موسیقی‌ها شده است مهم نیست که چه نغمه‌ای می‌خوانی و از چه چیزی صحبت می‌کنی، مهم نیست که چقدر زیبا می‌خوانی، مهم نیست که چقدر حرف‌های درستی می‌زنی، مهم این است که چقدر حرف‌های تو شنیده و فهمیده می‌شود. مهم این است که در جامعه جهانی چند کشور با تو همراه می‌شوند. برداشت از وضعیت خارجی ایران امروز این است که ما شده‌ایم با نغمه‌هایی آرماتی‌مانشیدنی. مرتب نباید بگوییم که جهان دچار اختلال شنیداری است به این فکر کنیم که ما اختلال گفتاری داریم. چند کشور در جهان هستند که ما را همراهی می‌کنند؟ با چند کشور جهان رابطه استراتژیک داریم؟ نمونه موردی: چین با عربستان یک توافق نامه بلندمدت جامع ایجاد کرد. در آن در مورد جزایر سه گانه ایرانی صحبت کرد و ده‌ها نکته دیگر و ما اکنون در شوک به سر می‌بریم که چرا چین چنین کرد؟ شریک استراتژیک ما، چین عزیز چرا وارد چنین تفاهتی شد. کمی در مورد واقعیت‌ها بدانیم: تجارت خارجی چین ۶ هزار میلیارد دلار است. سهم ایران چقدر است؟ ۲۰ میلیارد دلار. اندازه تجارت خارجی آمریکا با چین چقدر است؟ ۶۵۰ میلیارد دلار (۳۳ برابر ما). همین عربستان ۸۷ میلیارد دلار تجارت خارجی با چین دارد. یعنی ۵.۴ برابر ایران. بنابراین اینکه انتظار داشته باشیم چین خواهد تجارت ۶ هزار میلیارد دلاری خود را در پای ۲۰ میلیارد دلار بسوزاند سخت در اشتباهیم. شاید چین شریک استراتژیک ما باشد، اما واقعیت تلخ این است که ما شریک استراتژیک چین نیستیم. روزگاری مطرح می‌شد که برخی می‌خواهند در حوزه سیاست داخلی چین را لگویی خود قرار دهند به نظر م‌آدرس اشتباهی داده شده. آنچه باید از چین آموخته شود سیاست خارجی است و نه داخلی. در سیاست خارجی مانند چین عمل کنیم؛ چین در حوزه سیاست خارجی کاملاً پراگماتیک (عملگرا) و معامله‌گر ایانه (منفعت‌گرا) عمل می‌کند. هر کشوری که توان خلق منفعت اقتصادی بیشتری برای چین داشته باشد چین با آنها می‌بندد! همین! در کنار سه گانه عملگرایی منفعت‌گرای و غیر آرماتی‌گرایی تنها چیزی که ما را محدود می‌کند چارچوب اخلاقی است. یعنی سیاست خارجی ما نباید مخالف اخلاق باشد، یکی از سفارای ایران از چین می‌گفت در جلسات متعددی که با چینی‌ها از ادارات و سازمان‌ها و موسسات مختلف داشته یک حرف به طرز تعجب‌آوری تکرار و تاکید می‌شد و آن اینکه استراتژی ما این است که تا ۵۰ سال اقتصاد در اولویت باشد و سیاست خارجی ما کاملاً بر اساس منافع اقتصادی تنظیم شود. ما روابطمان را با تک تک کشورهای جهان بر اساس اقتصاد تنظیم می‌کنیم و نه بر عکس. حتی بازه ۵۰ سال هم در گشته‌ها یکسان بود. نظام جهانی، منافع متقابل را می‌فهمد. نه دوستی دیرینه، نه سابقه و گذشته، نه ایدئولوژی، نه همسایگی هیچ کدام معیار اول تصمیمات سیاست‌گذاری خارجی نیست. بنابراین کشوری که در این جهان با زبانی دیگر (فرکانسی دیگر) صحبت کند کشوری تنها (هننگ ۵۲ هرتزی) خواهد بود.

دکتر مصطفی اقلیم‌دار گفت و گو با «آرمان ملی»:

مردم از مسئولان حرف نمی‌خواهند

فشارهای اقتصادی مشکلات روانی جامعه را افزایش می‌دهد

طبقه متوسط جامعه دارای حساب‌گری و منافع خاص خود است و بی‌گدار به آب نمی‌زند

نسبت به آینده هشدار می‌دهم



وضعیت زندگی مردم در شهرستان‌ها به مراتب از تهران نامساعدتر است. نکته دیگر اینکه مردم شهرستان‌ها به دلیل اینکه احساس می‌کنند صدای آنها به گوش مسئولان نمی‌رسد بیشتر اعتراض می‌کنند. این در حالی است که در برخی از کشورها و از جمله انگلستان پارک‌هایی را در نظر گرفته‌اند که مردم در آن پارک‌ها بدون هیچ محدودیتی از مسئولان شهر و کشور انتقاد می‌کنند و صدای اعتراض خود را به گوش مسئولان می‌رسانند

این وضعیت درباره شهرستان‌ها نسبت به تهران نیز وجود دارد؟
وضعیت زندگی مردم در شهرستان‌ها به مراتب از تهران نامساعدتر است. نکته دیگر اینکه مردم شهرستان‌ها به دلیل اینکه احساس می‌کنند صدای آنها به گوش مسئولان نمی‌رسد بیشتر اعتراض می‌کنند. این در حالی است که در برخی از کشورها و از جمله انگلستان پارک‌هایی را در نظر گرفته‌اند که مردم در آن پارک‌ها بدون هیچ محدودیتی از مسئولان شهر و کشور انتقاد می‌کنند و صدای اعتراض خود را به گوش مسئولان می‌رسانند.

برخی تلاش می‌کنند مشکلات و چالش‌های کنونی را به عوامل بیرونی نسبت بدهند. این تئوری به چه میزان در شرایط کنونی صادق است؟

ریشه مشکلات داخلی بوده و مسائل ناچیزی وجود دارد که به عامل بیرونی ارتباط داشته باشد. برخی از مسئولان ریشه اصلی نابسامانی‌های اقتصادی اخیر را به خارج از کشور مرتبط می‌دانند. این دیدگاه به منزله این است که مسئولان در داخل کشور هیچ کاره‌اند، بلکه برخی در بیرون از مرزها برای کشور تصمیم‌گیری می‌کنند. این دیدگاه به صورت کلی اشتباه است. هنگامی که یک مدیر کل یا یک کارمند وظیفه خود را به درستی انجام نمی‌دهد و نسبت به عملکرد خود نیز به هیچ کس پاسخگو نیست چه ارتباطی به دیگران دارد. همه این مسائل سبب بی‌اعتمادی مردم نسبت به مسئولان می‌شود. هنگامی که فرزندان یک خانواده با مشکلات و نارسایی‌های زیادی مواجه شوند نسبت به چه کسی بی‌اعتماد می‌شوند؟ بدون شک نسبت به پدر و مادر خود بی‌اعتماد می‌شوند که چرا برای حل این مشکلات چاره مناسبی پیدا نمی‌کنند. برخی اتفاقات در کشور اصلاً سیاسی نیست و رهبران جامعه نیز توصیه نکرده و بلکه با آن مخالف هم هستند. مدیران ارشد جمهوری اسلامی همگی به احترام به مردم و رعایت حقوق آنها توصیه می‌کنند. آیا مدیران به این توصیه‌ها عمل می‌کنند؟ بدون شک عمل نمی‌کنند. در نتیجه نباید رهبران جامعه را مورد خطاب قرار داد و بلکه باید آن مدیر شیبه بسیاری از حکومت‌های جهان که دارای ساختارها و کارکردهای خاص خود است. ما باید مدیران را مجبور به پاسخ‌گویی نسبت به مطالبات مردم کنیم. نباید در دیروز متوقف شد بلکه باید به فکر آینده بود. با این وجود اگر مسئولان کشور مشکلات مردم را حل نکنند من شرایطی را در آینده می‌بینم که اعتراضات مردم نسبت به وضعیت کنونی افزایش خواهد داشت. در نتیجه مسئولان باید از همین امروز به فکر باشند و تلاش خود را دوچندان کنند تا به مطالبات مردم پاسخ مناسب بدهند.

آرمان ملی - احسان انصاری: چرا میزان امید به آینده در جامعه کاهش پیدا کرده است؟ چرا میزان مهاجرت از کشور افزایش پیدا کرده است؟ مردم ایران آینده را چگونه می‌بینند؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سوالات با دکتر مصطفی اقلیم‌دار، جامعه‌شناس گفت‌وگو کرده است. اقلیم‌دار در این زمینه معتقد است: «عدم امنیت شغلی و پاسخگو نبودن مسئولان نسبت به مشکلات مردم از دلایل اصلی عصبی شدن جامعه است. از سوی دیگر فشارهای روانی زیادی روی شهروندان است که به آنها پاسخ مناسب داده نشده و همچنان لاینحل مانده و فرد آن را با خود حمل می‌کند. مغز انسان ظرفیت محدودی برای تحمل مشکلات و فشارهای روانی دارد و از یک میزان معین که عبور کرد به شکل‌های مختلف واکنش نشان می‌دهد. مشکلات مردم در کوچه و خیابان با همدیگر نیست و بلکه مشکل فرد با خود فرد است که در محیط منزل ایجاد شده است.» در ادامه ما حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

تصور مردم ایران نسبت به آینده به چه میزان امیدوارکننده است؟ مردم ایران به چه میزان نسبت به تغییر وضعیت موجود و بهبود آن امیدوار هستند؟

مردم ایران با مشکلات زیادی در زندگی خود مواجه هستند. با این وجود همواره نسبت به آینده امیدوار و معتقدند که شاید فردا مدیری روی کار بیاید که در وضعیت زندگی مردم تغییر جدی ایجاد کند. این در حالی است که این فردا هنوز نیامده است. حضرت امام (ره) خطاب به مسئولان فرمودند: «اگر برای مردم کار نکنید مردم شما را کنار خواهند زد.» مردم با جمهوری اسلامی هیچ مشکلی ندارند و بلکه با برخی مدیران کار دارند. در نتیجه هنگامی که از یک مدیر انتقاد می‌کنند به معنای انتقاد از حکومت نیست. مردم دنبال رفاه و آرامش هستند و تا زمانی که رفاه و آرامش آنها تأمین نشده باشد احتمال اعتراض آنها به شکل‌های مختلف وجود خواهد داشت. اگر مسئولان به جای اینکه نزدیکان خود را روی کار بیاورند از افراد شایسته‌تر در مسند کار استفاده می‌کردند و مدیران خود را ملزم به پاسخگویی به مردم می‌کردند هیچ‌گاه این اتفاقات در کشور رخ نمی‌داد. مردم از مسئولان حرف نمی‌خواهند بلکه نگاه آنها به عملکرد مسئولان کشور است که به چه میزان در راستای مطالبات آنها حرکت می‌کنند.

آیا مردم احساس می‌کنند برخی مسئولان مطالبات آنها را نمایندگی نمی‌کنند یا اینکه در بازل قدرت نماینده ندارند؟

بدون شک ما با این وضعیت مواجه شده‌ایم. مردم در انتخابات مجلس و یا ریاست جمهوری افرادی را انتخاب می‌کنند که پس از انتخاب شدن راه دیگری را در پیش می‌گیرند و مطالبات آنها را نمایندگی نمی‌کنند. هنگامی که یک فرد شغل و درآمد کافی برای گذراندن زندگی خود ندارد به صورت طبیعی دچار افسردگی و مشکلات روحی و روانی می‌شود. براساس تحقیقات تنها ۱۰ تا ۱۵ درصد از مردم جوامع مختلف به واقع دارای مشکلات روانی هستند و بقیه به دلیل مشکلات زندگی دچار مشکلات روحی و روانی می‌شوند. نکته دیگر اینکه نباید همه مشکلات کشور را سیاسی کرد و بوی سیاسی به آن داد.

آیا فشارهای زندگی جامعه را عصبی کرده است؟

عدم امنیت شغلی و پاسخگو نبودن مسئولان نسبت به

مردم ایران با مشکلات زیادی در زندگی خود مواجه هستند. با این وجود همواره نسبت به آینده امیدوار و معتقدند که شاید فردا مدیری روی کار بیاید که در وضعیت زندگی مردم تغییر جدی ایجاد کند. این در حالی است که این فردا هنوز نیامده است. حضرت امام (ره) خطاب به مسئولان فرمودند: «اگر برای مردم کار نکنید مردم شما را کنار خواهند زد.» مردم با جمهوری اسلامی هیچ مشکلی ندارند، بلکه با برخی مدیران کار دارند. در نتیجه هنگامی که از یک مدیر انتقاد می‌کنند به معنای انتقاد از حکومت نیست

عراق اخیراً با احداث دو خط آهن موافقت کرد که خط نخست از بندر بزرگ فاو در جنوب عراق آغاز می‌شود و به سمت شمال و مرزهای ترکیه امتداد می‌یابد. هدف از احداث این خط آهن، رونق بخشیدن به تجارت و سفر بین عراق و کشورهای خلیج فارس و انتقال مستقیم کالاها به ترکیه و از آنجا به اروپا و آسیای میانه است. این پروژه با استقبال گسترده مواجه شد، چرا که منافع اقتصادی برای عراق و کشورهای خلیج فارس دارد. بعد از آن، دولت عراق توافقنامه احداث خط آهن دیگری به طول ۳۲ کیلومتر را امضا کرد که از منطقه شلمچه در ایران تا شهر بصره امتداد می‌یابد و مبلغ ۲۲۰ میلیون دلار برای احداث این خط آهن فرعی بودجه در نظر گرفته شد. از همان روز نخست، بین عراق و ایران بر سر هدف از احداث این خط آهن فرعی اختلاف بروز کرد. آیا آن گونه که عراق می‌گوید هدف از احداث این خط آهن صرفاً انتقال زائران به عتبات مقدس در نجف و کربلاست یا منظور که ایران می‌گوید، این خط آهن برای انتقال مسافر و کالا و متصل کردن شبکه راه‌آهن ایران به خط آهن سوریه از طریق عراق احداث می‌شود؟ این اختلاف نظر، در اختلاف نگرش اقتصادی و راهبردی بین دو طرف ریشه دارد. به گفته وزیر راه و شهرسازی ایران، پیمانکاران ایرانی یک پل متحرک به طول ۸۸۰ متر روی شط‌العرب احداث خواهند کرد و شرکت راه‌آهن عراق، مسئول احداث زیرساخت‌های این پروژه خواهد بود. ناصر کنعانی، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران گفت اتصال خط آهن شلمچه به بصره موجب رونق گرفتن انتقال مسافر و کالا بین دو کشور خواهد شد و شبکه راه‌آهن ایران را از طریق عراق به راه‌آهن سوریه و اردن متصل خواهد کرد. ایران همچنین برای احداث یک خط آهن فرعی دیگر از شمال عراق تا سوریه (از طریق منطقه شرق فرات) برنامه دارد تا شبکه راه‌آهن ایران از طریق عراق به شبکه راه‌آهن سوریه متصل شود. با توجه به تحولات کنونی منطقه و آنچه کنعانی گفت، این گونه برداشت می‌شود که ایران با اتصال خط آهن خود به سوریه، هدفی «راهبردی» را دنبال می‌کند. اقدام عراق در شرایط کنونی به احداث خط آهن فرعی جدید در منطقه شرق فرات در سوریه به سمت ساحل مدیترانه، پروژه‌ای مملو از خطرات ژئوپلیتیکی است. خبرهای دریافت شده از شرق فرات از درگیری نظامی تقریباً هر روزه حکایت دارد و انتظار نمی‌رود این منطقه مرزی بین عراق و سوریه و ترکیه در آینده نزدیک آرام شود. به خصوص که نیروهای آمریکا، روسیه، ترکیه و داعش و عشاری عربی و احزاب و شبه نظامیان کرد و نیروهای ارتش سوریه در منطقه حضور دارند و حملات هوایی اسرائیل به سوریه نیز ادامه دارد؛ بنابراین به تعویق انداختن این بخش از خط آهن فرعی که هدف آن متصل کردن شبکه راه‌آهن ایران به سوریه است، یکی از گزینه‌ها در شرایط کنونی محسوب می‌شود چرا که با توجه به ادامه یافتن نزاع‌های نظامی کنونی که پیش‌بینی می‌شود در آینده تشدید شود، این خط آهن فرعی نیز هدف خرابکاری دائمی خواهد بود. پس چرا باید عراق میلیون‌ها دلار برای احداث خط آهنی فرعی در منطقه خطرناک از نظر نظامی هزینه کند و بعد از آن نیز مجبور به هزینه کردن مستمر برای ترمیم خرابکاری و پرداخت هزینه برای محافظت از آن باشد و مسئولیت‌اتکال و مسافران را بپذیرد؟ بهتر است عراق منتظر نتیجه دادن تلاش‌های برای احیای روابط کشورهای عربی و غیرعربی با سوریه و سپس آغاز بازسازی سوریه بماند و در آن زمان سهم عراق از بازسازی سوریه، احداث خط آهن به دست شرکت‌های عراقی خواهد بود.

یک تحلیلگر مسائل سیاست خارجی، درباره سخنان رئیس‌جمهور در مجمع عمومی سازمان ملل متحد اظهار داشت: به نظر من آقای رئیسی می‌توانست بهتر از این از منافع ایران دفاع کند. به هر حال سخنان رهبر انقلاب در سازمان ملل زمانی که رئیس‌جمهور بودند یا سخنان آقای روحانی و خاتمی موجود است و می‌شود مقایسه کرد. سیدجلال ساداتیان گفت: در حاشیه سفر آقای رئیسی به نیویورک تنها یک جلسه سه‌جانبه با حضور ترکیه، روسیه و ایران درباره سوریه برگزار شد. این جلسه در حالی است که سوریه در مقطع کنونی به سمت چین رفته است تا این کشور مشکلاتش را حل کند. خب طبیعی است با چنین وضعیتی از این جلسه سه‌جانبه هم خروجی مهمی بیرون نیاید. از طرفی اصلاح‌خبر دقیقی از آنچه تیم دیپلماتی در نیویورک انجام داده، منتشر نشده است. این تحلیلگر مسائل سیاسی همچنین بیان کرد: در موضوع پول‌های آزادشده ایران از کره جنوبی ما دستور آمریکا باید گفت که این پول‌ها صرفاً برای خرید دارو و غذا مصرف می‌شود تا در ازایش زندانیانی از آمریکا آزاد شوند. ساداتیان تصریح کرد: برای باین هم خوب بود زیرا باین فعل و انفعال اعتبار برای خودش خرابه و در آمریکا چنین می‌گوید که با پول‌های خود ایران زندانیانمان را آزاد کردیم و برگ برنده‌ای در برابر جمهوری خواهان خواهد داشت.